

بابک لطفی خواجه پاشا کارگردان فیلم سینمایی در «آغوش درخت»:

این سینمای کم‌دی فکاهی ضربه به جایگاه زن است

مهم‌ترین وظیفه زن استحکام خانواده است

نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم حوا به همت بنیاد بین‌المللی گوهرشاد تا ۲۳ تیر امسال در سطح کشور برگزار می‌شود. فیلم سینمایی «در آغوش درخت» به‌عنوان نمایش افتتاحیه این رویداد سینمایی در روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه در سینما فرهنگ به روی پرده رفت.
با بابک خواجه‌پاشا کارگردان فیلم در آغوش درخت به گفت‌وگونش‌ستیم اودرمورد فیلمش وهمچنین تصویرزن در سینمای ایران صحبت‌های جالبی دارد. این گفت‌وگو را بخوانید.

|||

فیلم سینمایی در آغوش درخت، سراغ نگرانی‌ها و اضطراب‌های یک زن می‌رود و آن چیزی که التیام‌وراه‌حل این نگرانی است، حضور در کنار خانواده است. به نظر می‌رسد که این نگاه، متفاوت از آن چیزی باشد که زن را



یادداشت

<div>علی انسانی</div>
<div>شاعر و مدیحه‌سرای اهل بیت</div>

مباهله انجام می‌شود؟ زمانی که دو یا چند نفر بر سر مسأله‌ای اختلاف نظر داشته باشند و هیچ‌یک نظر دیگری را نپذیرد. طرفین در یک‌جا جمع می‌شوند و به درگاه خداوند تضرع می‌کنند و از خداوند می‌خواهند آن کسی را که باطل است رسوا و لعن و مجازات کند. مباهله در بین پیامبران پیشین نیز مطرح بوده و حتی جاری نیز شده است، کمااینکه بعد از پیشنهاد مباهله از سوی پیامبر اکرم(ص)به‌نصاری نجران نخست آنکه عکس‌العمل آنان درباره این پیشنهاد بسیار طبیعی بود و صرفا درخواست مهلت جهت مشورت درباره آن کردند، ثانیاً مسیحیان جلسه‌ای در این باره تشکیل دادند و اسقفیان آنان را از شرکت در مباهله منع کرد و گفت: «هیچ قومی با پیامبرش مباهله نکرد، مگر آنکه هلاک شد. این جمله اسقف دلیل بر آن است که اینها با جریان مباهله آشنا بوده‌اند و نه‌تنها مباهله در ادیان قبلی سابقه داشته، بلکه واقع شده است.

در سال نهم هجری قمری برابر با سال ۶۳۲ میلادی که پایه‌های حکومت اسلامی در مدینه مستحکم شده بود، پیامبر گرامی اسلام همزمان با مکاتبه با سران دولت‌های جهان و مراکز مذهبی نامه‌ای نیز به اسقف نجرانی ابوحارثه‌نوشت(نجران سومین شهر یمن بود که در منطقه مرزی حجاز و یمن قرار داشت و تنها منطقه مسیحی نشینی در اطراف حجاز بود که اهل آن از بت‌پرستی دست کشیده و به آیین حضرت مسیح(ع) گرویده بودند) و اهالی آن منطقه را به اسلام دعوت کردند، به نقل از البدایه و النهایه متن نامه پیامبر به این شرح است:

«به‌نام‌خدا ی ابراهیم و اسحاق و یعقوب، این نامه‌ای است از محمد-پیامبر و فرستاده خدا به اسقف اعظم نجران- خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب را حمد و ستایش می‌کنم و شما را بر پرستش و عبادت بندگان به پرستش خدا دعوت می‌کنم. شما را دعوت می‌کنم از ولایت بندگان خدا خارج شوید و تحت ولایت خداوند درآیید و اگر این دعوت را نمی‌پذیرید، باید به حکومت اسلامی جزیه بپردازید، وگرنه با شما اعلام جنگ می‌کنم. والسلام.» اسقف نجران بعد از آنکه از محتوای نامه مطلع شد و درباره ادعای نبوت پیامبر تحقیق کرد و بر او معلوم شد که ممکن است محمد همان پیامبر موعود باشد دستور داد تا ناقوس‌ها را به صدا درآورند در پی آن مردم نجران اجتماع کردند. اسقف، نامه پیامبر را برای مردم خواند و از آنان نظر خواست. نتیجه این شد که گروهی از صاحب‌نظران را برای بررسی بیشتر موضوع به مدینه فرستند، به همین منظور ۷۰ نفر از نخبگان و دانایان انتخاب و راهی مدینه شدند که ابوحارثه‌بن‌علمه، اسقف اعظم نجران و نماینده رسمی کلیساهای روم در سرزمین حجاز در رأس آن گروه قرار داشت.

ورود هیات نمایندگان نجرانیان به مدینه

هیات نمایندگان مسیحیان بعد از آنکه وارد مدینه شدند لباس‌های فاخر ابریشمی پوشیدند و انگشتری طلا به دست کردند سپس برای دیدار پیامبر اکرم(ع) به مسجد

فقط به عنوان یک فعال اجتماعی و سوای از متن خانواده تعریف می‌کند. ایده این فیلم چگونه شکل گرفت؟

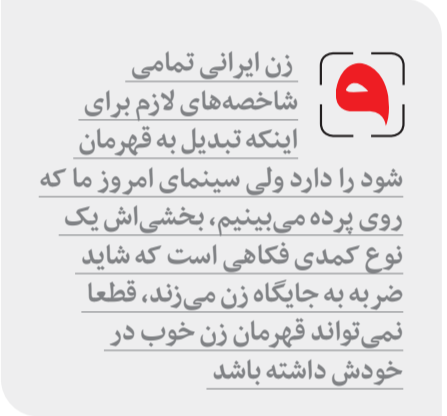
در سال‌های گذشته فیلم‌هایی با این مضمون داشتیم که بخوانند کاراکترهای زن را به‌عنوان فعالان اجتماعی معرفی کند. مثلاً به‌عنوان وکیل یا پزشک و از این دست کاراکترها! ولی زمانی که این طور به داستان نگاه می‌کنند از مهم‌ترین وظیفه اجتماعی یک زن غافل می‌شوند. مهم‌ترین وظیفه اجتماعی یک زن ساختار دادن و همچنین عامل استحکام یک خانواده است. چیزی که در فیلم در آغوش درخت جریان دارد این است که زن بعد از اینکه احساس می‌کند خانواده واقعا از بین می‌رود، شروع به فدکاری می‌کند. در فیلم سکانسی داریم که مادر باید از تمام ترس‌های خود بگذرد تا بتواند خانواده را باز در کنار هم نگه دارد. به نظر من این هم یک نگاه اجتماعی به حضور زن در جامعه است چون یکی از وظایف و ارزش‌های یک زن در جامعه، استحکام بخشیدن به خانواده است.

درمورد اهمیت تاثیر زنان بر فضای جامعه ایران تردیدی وجود ندارد، به نظر شما کدام بخش از اثرگذاری زنان ایرانی می‌توانست بر پرده سینما نشان داده شود و این اتفاق نیفتاده است؟ فیلمسازان و مدیران فرهنگی برای نشان دادن تصویر واقعی زنان ایرانی چه باید بکنند؟

تاثیرگذاری اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تاثیرگذاری روانی از جمله نقاط مغفول سینمای ایران است. در شکل‌ه شخصیت زن، عنصری به نام صبر داریم که شاید در مردان این چنین تعریف نمی‌شود و وقتی از این منظر به یک کاراکتر نگاه کنیم که بخواهیم صبوری اش را نشان دهیم یا بخواهیم در عنصر فدکاری وارد شویم، زن عنصر و کاراکتر برنده‌ای است. شما اگر از این زاویه به حضور زنان نگاه کنید قطعاً می‌توانید ابعاد دیگری از حضور زنان در پرده سینما را ببینید. مثلاً آناری که زنان را در سینمای ما به‌عنوان یک فعال اقتصادی موفق نشان دهند یا آناری که زنان ایرانی را به‌عنوان یک فعال حقوق مدنی نشان دهد خیلی کمتر می‌بینیم.

فرهنگ

شاید بهتر باشد که اجمالی‌تر صحبت کنم تا بتوانم این مسأله را واکاوی کنم. در سینما قریب به اتفاق قهرمان اصلی داستان، با محوریت یک مرد است و زن مکمل این قضیه است. درحالی‌که به نظر من باید تغییر نگرشی در برخی آثار داشت؛ به‌خصوص در درام‌های عاشقانه، می‌توان محوریت را به زن داد، به‌خاطر اینکه در درام‌های عاشقانه می‌توان داستان‌گيراتری را با محوریت زن خلق کرد. یا حتی اگر بخواهیم در ژانرهای مختلف اثری تولید کنیم و نقشش قهرمانی را به زنان بدهیم و دیگران در کنار آن قرار گیرند، قطعاً این کاراکتر کنشگرتر می‌شود و این‌طور تاثیر بیشتری در سینما خواهد داشت.



آناری که به‌شخصه علاقه دارم، مثل «باشو غریبه کوچک» یا برخی فیلم‌هایی که زن در آن تاثیرگذار بوده است، از آن جنس فیلم‌هایی است که نگرش شما به حضور زن در جامعه را تغییر می‌دهد و قدرتی بی‌بدیل را می‌بینید که لزوماً این قدرت به‌خاطر توانایی بدنی و زور داشتن نیست، بلکه قدرتی درون زن به نام صبر، مهربانی، عاطفه و… کشف می‌کنید که اینها بسیار بی‌بدیل است.

سینمای ایران بهترین امکان را برای بروز آن چیزی فراهم می‌کند که در امروز جامعه ایران رخ می‌دهد. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین مباحثی که این روزها درموردش زیاد صحبت می‌شود، مسأله میزان حضور و سهم زنان از فعالیت‌های اجتماعی است به نظر شما فضای کلی سینمای ایران در کدام سمت این‌معرکه ایستاده است و آیا توانسته سهم واقعی و البته درستی زنان از حضور اجتماعی را نشان دهد؟

سینمای ایران در دهه گذشته، بیشتر حول‌وحوش معضلات اجتماعی چرخیده که محوریت آن بیشتر با مردان بوده است ولی چیزی که نتوانسته روی آن کار کند و سینما کمتر در مورد آن کار کرده است، اول بحث خانواده و در درام‌هایی خانوادگی است که در دهه گذشته کمتر شاهد این‌گونه آثار بودیم. واقعا باید برای تولید این‌گونه آثار وقت گذاشت و کار کرد. در این مقوله زنان سهم زیادی نداشتند و ما باید جریان‌ی را آغاز کنیم که قهرمانان زن تاثیرگذار را نشان دهد. این هم به ایده اصلی ما برمی‌گردد و باید در ایده‌هایی که می‌خواهد تبدیل به فیلم‌نامه شود این نکته را مورد توجه قرار دهیم.

در طول تاریخ از پروین اعتصامی تا عزیزانی که در دوران ۸ سال دفاع مقدس تاثیرگذار بودند، نخبگانی که الان تاثیرگذار هستند، اگر چرخی بزیم زنانی بی‌بدیل پیدا می‌کنیم، بی‌نمونه در جهان که روی آنها کار نشده و کاری ساخته نشده است. شاید این نگاه به این دلیل بوده که می‌ترسیم به سمت قهرمان زن برویم، به‌خاطر نوع فرهنگی که در جامعه ما وجود دارد و سعی می‌کند آن حرمت را حفظ کند و برای همین به قهرمان زن نزدیک نمی‌شود. با این حال در فیلم‌هایی که ساخته شده و قهرمان یک زن بوده مثل «شیار ۱۴۳» که قهرمان زن فوق‌العاده است وارد خلوت او می‌شویم و زیست او را می‌بینیم، بسا او همذات‌پنداری می‌کنیم و اتفاقاً حرمت یک زن حفظ می‌شود.

جنس مسائل و اتفاقاتی که پیرامون زن ایرانی وجود

۱۳



درد متفاوت از دیگر نقاط جهان است؛ به نظر شما در آثار سینمای اجتماعی ایران این نکته لحاظ شده است؟
زن ایرانی با سایر زن‌ها در سایر نقاط دنیا دارای فاکتورهای متفاوتی است. این طبیعی است و همه کشورها دارای یک مجموعه‌ای از خرده فرهنگ‌ها و عقاید هستند که در دایره این فرهنگ‌ها و افکار وارد موضوع می‌شوند. ما هم این موضوع را داریم و سینمای ما هم قطعاً دارای الگویی است که فیلمساز براساس آن باید فیلمی بسازد که پیرامون یک زن ایرانی است.

زن ایرانی تمام شاخصه‌های لازم برای اینکه تبدیل به قهرمان شود را دارد ولی سینمای امروز ما که روی پرده می‌بینیم، بخشی‌اش یک نوع کم‌دی فکاهی است که شاید ضربه به جایگاه زن می‌زند قطعاً نمی‌تواند قهرمان زن خوب در خودش داشته باشد. بخشی از سینمای ما که یک‌سری سینمای اجتماعی است و به برخی معضلات اجتماعی می‌پردازد و به‌خاطر آسیب نخوردن به حرمت یک زن، کمتر بدان ورود می‌کند. اما واقعا سؤال است که چرا درام عاشقانه تولید نمی‌کنیم و چرا فیلم عاشقانه نداریم؟ فیلم عاشقانه فیلمی است که زن می‌تواند در محوریت باشد و تاثیرگذار باشد. چرا درمورد معضلات اجتماعی در سطحی فکر نمی‌کنیم که زن می‌تواند تاثیرگذار باشد؟ اگر این تغییر نگرش را داشته باشیم می‌توان فیلم‌هایی در این‌گونه ساخت.

یکی از سختی‌ها و البته جذاب‌ترین بخش‌های هنر سینما این است که درونیات و روحمیات ویژه یک زن را به تصویر بکشد. به نظر شما کدام فیلمساز ایرانی توانسته نمایش بگذارد؟

من فیلمسازی مثل بهرام بیضایی، رضا میرکریمی را در این حوزه بسیار موفق می‌دانم و فیلم «به همین سادگی» فیلمی است که توانسته تصویر دقیقی از روحیات یک زن ایرانی را به نمایش بگذارد و برای من فیلم بسیار محترمی است.

خلق در نزد رسول خداست و آن زن دختر او فاطمه و مادر این دو پسر است و این پسر حسن و حسین(ع) نوه‌های پیامبر هستند.

اسقف یا ششدین این سخنان، گفت: «به خدایی که جان من در دست اوست، من گروهی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند که‌از زمین کنده شود، مستجاب خواهد شد. با او مباهله کنید که با عزیزان خود آمده است، اگر با او مباهله کنید، بلانازل می‌شود و یک مسیحی روی زمین باقی نمی‌ماند، با او مصالحه کنید.»

مسیحیان با ششدین سخنان یأس آور اسقف اعظم نجران و با دیدن چهره مصمم پیامبر و همراهانش تسلیم خواسته پیامبر(صل الله علیه‌وآله‌وسلم) شدند و گفتند: «یا ابالقامس ما با تو مباهله نمی‌کنیم ولی حاضریم مصالحه کنیم و هر مقدار که بخواهید به شما جزیه بپردازیم (جزیه نوعی مالیات است که فقط از مردانی که توانایی جنگیدن دارند و از اهل کتاند گرفته می‌شود و زنان و کودکان و افراد مهجور از پرداخت آن معافند) براساس نقل زمخشری، رسول خدا در پی این ماجرا فرمودند: «به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، عذاب بالای سر ترسایان را فرار گرفته بود، اگر مباهله می‌کردند همگی مسخ می‌شدند و بعد هم آتشی بیابان را فرامی‌گرفت و همه آن می‌سوختند.»

طبق قرارداد، صلحی که منعقد شد مسیحیان نجران متعهد شدند در مقابل امنیتی که در حکومت اسلامی به‌دست می‌آوردند سالانه دوهزار حُلهٔ (حُلهٔ برابر با یک قواره پارچه برای یک دست لباس است) به‌عنوان جزیه به حکومت اسلامی بپردازند و علاوه‌بر آن ۳۰ زره و ۳۰ نیزه و ۳۰ اسب و ۳۰ شتر نیز بدهند.

مقریزی مورخ بزرگ اهل سنت در کتاب خود در شرح ماجرای مباهله می‌نویسد: «پس، مسیحیان نجران آن‌هنگام که آنان را دیدند (رسول خدا، علی، فاطمه، حسن، حسین)) گفتند اینان چهره‌هایی‌اند که اگر از خداوند بخواهند کوه‌ها را از جا برکنند، کوه‌ها کنده می‌شوند و مباهله نکردند و بر دوهزار حله مصالحه کردند.» به نقل از الکامل فی التاریخ ج ۱ ص ۶۴۶ آمده است: «البته بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) خلیفه اول (ابوبکر ابن ابی قحافه) نیز بر طبق همین عهدنامه عمل کرد اما وقتی خلیفه دوم (عمر ابن خطاب) به خلافت رسید اهل کتاب را از حجاز و مسیحیان را از نجران اخراج کرد.»

متن مباهله برگرفته از کتاب من علی‌ام نوشته حسین اسکندری بود.

روزی مامون از حضرت رضاع(سوال کرد: «بزرگ‌ترین فضیلت امیرالمومنین علی(ع) که قرآن بر آن دلالت می‌کند چیست؟»

حضرت رضاع(ع) فرمودند: «این فضیلت امیرالمومنین که می‌گویی در آیه مباهله است. آنجا که خداوند می‌فرماید: «هرکس بعد از آنچه از علم برایت آمده است مخاصمه کند بگو ببایید پسران‌مان و پسران‌تان، زنان‌مان و زنان‌تان، خودمان و خودتان را فرابخوانیم. پس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.»» براساس این آیه، رسول خدا(ص) حسن و حسین(ع) را به‌عنوان پسرانش، فاطمه را به‌عنوان زانش و امیرالمومنین را به‌عنوان نفس خود آوردند. از آنجایی که هیچ‌یک از مخلوقات خداوند، بالاتر و برتر از رسول خدا نیست، در نتیجه بنابر حکم خداوند عزوجل کسی برتر از نفس رسول خدا(ص) نخواهد بود.